نقش صنایع سنگین در توسعه اقتصادی

عالیخانی، علی نقی

توسعه اقتصادی هنوز ضابطهء نسبتا تازه‏ای است و طبعا هنوز به بحث و فحص‏های‏ فراوان درباره موضوعاتی که باین رشته پراهمیت کوشش بشری مربوط میشوند احتیاج داریم‏ از بررسی حاضر ابتدا مناسبتر میدانم که چند کلمه‏ای راجع به نقش توسعه صنعتی در رشته‏ اقتصادی صحبت کنم و دلایل اولویتی را که در کشورهای در حال توسعه دنیا به صنعتی شدن‏ میدهند تشریح نمایم.

این حقیقت تقریبا بدیهی است که تفاوت میان سطح زندگی در کشورهای پیشرفته‏ و کشورهای در حال پیشرفت اساسا ناشی از تفاوتهائی است که از لحاظ سطح توسعه صنعتی در میان این دو گروه وجود دارد.صنعت در اغلب کشورهای پیشرفته 20 تا 40 درصد درآمد ملی را تأمین میکند اما این نسبت در کشورهائیکه رشد اقتصادی متوسطی دارند بین 10 تا 20 درصد و در ممالک کم‏رشد پائین‏تر از 10 درصد است.حتی در کشورهائی نظیر دانمارک و زلاند نو که بطور آشکار اقتصادهای کشاورزی دارند سطح نسبتا بالای درآمد ایشان تا حد زیادی‏ نتیجه بکار بستن دامنه‏دار وسایل و تدابیر صنعتی در امر کشاورزی است.

ضمنا تاریخ نیز حاکی است که پیش از آغاز نهضت صنعتی بین سطح درآمد کشورهائی که امروز توسعه یافته نامیده میشوند و ممالک در حال توسعه تفاوت فاحشی وجود نداشته و در واقع شواهدی وجود دارد که بسیاری از نواحی شرقی به مراتب کامیاب‏تر از کشور های غربی بوده‏اند.

اما در اواخر قرن هیجدهم هنگامیکه نیروی بخار بعنوان وسیله‏ئی برای تکمیل‏ قدرت بازوی انسان ابتدا در انگلستان و سپس در اروپای غربی و امریکای شمالی و ژاپن و اروپای شرقی مورد استفاده قرار گرفت بتدریج بخش صنعتی در این کشورها سریعا رو به رشد گذاشت و این تحول ادامه یافت تا سرانجام به تفاوت فاحشی که امروزه بین سطح درآمد کشورهای صنعتی و غیر صنعتی وجود دارد منتهی گردید.حدوث این تحولات کاملا طبیعی بود رفاه و توسعه نتایج منطقی خلاقیت کوششهای بشری هستند و این کوششها را به نوبه خود میتوان‏ از طریق بکار گرفتن منابع گوناگون انرژی و وسایل مکانیکی تا ثمربخش‏ترین درجات تعالی‏ بخشید.نتیجه‏ای که میخواهم بگیرم این است که ممالکی که استفاده از تکنیک‏های مدرن‏ را در بسط دادن به صنایع خود زودتر شروع کردند این توانائی را هم بدست آوردند که‏ درآمدشان را خیلی سریع‏تر افزایش دهند و این امر موجب وسیع‏تر شدن فاصله‏ئی شد که بین‏ میزان درآمد ممالک توسعه‏یافته از یک طرف و ممالک دیگری که عموما به کشاورزی اتکاء داشتند از طرف دیگر بوجود آمد.

یکی از عمده‏ترین خصوصیات توسعه صنعتی عبارت از تحرکی است که بوسیله آن‏ در تسریع رشد اقتصادی حاصل میشود.توسعه صنعتی نه تنها اثرات دامنه‏داری در بخش‏ صنعتی باقی میگذارد بلکه در عین حال فواید قابل ملاحظهء نیز برای سایر بخش‏های اقتصاد دربردارد.

مکانیزه کردن کشاورزی در همه وقت و همه جا به تعالی سطح تولیدات کشاورزی‏ کمکهای قابل انکاری کرده و همین حکم در مورد بهره‏برداری از معادن فعالیتهای ساختمانی‏ حمل و نقل و بخشهای دیگر نیز کاملا مصداق دارد.ضمنا لازم است بخاطر داشته باشیم که درجه‏ قدرت تولیدی در بخش صنعتی و سایر بخشهای مربوطه تقریبا در تمام ممالک دنیا خیلی بالاتر از کشاورزی است زیرا در کشاورزی محصول کار هر کارگر عموما از 20 تا 70 درصد محصولی‏ که از کار یک نفر در بخش صنعتی تولید میشود تجاوز نمیکند.اینها قسمتی از دلایل توجه‏ کشورهای در حال رشد بامر توسعه صنعتی است و در واقع این کشورها توسعه صنعتی را فتح باب‏ و شرط اصلی توسعه اقتصادی تلقی میکنند.

معذلک توسعه صنعتی هم پدیده‏ای است که در کشورهای مختلف شکل‏های گوناگون‏ داشته است اغلب ممالک این مرحله را با صنایع ساده تولید و کالاهای مصرفی بیدوام آغاز کرده و سپس برشته صنایع سنگین پرداخته‏اند کشورهای دیگری نیز هستند که در آنها اولویت‏ به صنایع سنگین داده شده که بطور عمده شامل صنایع مولد کالاهای سرمایه‏ای میشوند.در این کشورها توسعه صنایع مصرفی به مرحله‏ای موکول شده که سرمایه‏های کافی بوجود آید و سطح درآمد به اندازه لازم بالا برود.معهذا بین این دو گروه از کشورها ممالک وسیعی‏ مانند هندوستان و برزیل نیز دیده میشوند که در آنها توسعهء صنایع سبک و سنگین همزمان‏ با یکدیگر پیشرفته‏اند.

در زمان ما این حقیقت قبول همگانی پیدا کرده که برای رشد اقتصادی یک نمونه و سرمشق واحد وجود ندارد.کشوری که از منابع سرشار کشاورزی بهره‏مند است ولی منابع‏ معدنی قابل ملاحظهء ندارد در مقایسه با کشور دیگری که معدنیات و منابع سوخت کافی دارد طبعا برای توسعهء صنعتی راه متفاوتی در پیش میگیرد.بهمین ترتیب عواملی مانند میزان‏ تراکم جمعیت و سطح درآمد کشور و مردم و سطح اطلاعات و تجربیات فنی و نوع سیاست، دولت،در تعیین راه و روش توسعه صنعتی مؤثر است.

با این حال صرف نظر از هر روشی که برای تحقق توسعهء صنعتی انتخاب شود در یک نکته تردید نمیتوان داشت و آن اینکه برای ایجاد صنایع سنگین شرائطی لازم است و تا هنگامی‏ که این شرایط فراهم نشده کار ایجاد صنایع سنگین با موفقیت روبرو نخواهد بود.من از میان بسیاری از این قبیل شرایط مقدماتی تنها به ذکر مواردی مانند وفور مواد معدنی‏ انرژی و سایر منابع طبیعی،بازارهای کافی سرمایه‏گزاریهای هنگفت و احتیاج به کادر صلاحیتدار فنی اکتفا میکنم.

البته این حقیقت نمیتواند قابل انکار باشد که بعضی کشورها مانند ژاپن با وجود نداشتن مواد خام توانسته‏اند صنایع سنگین مورد نیاز را با استفاده از مواد خام خارجی بوجود آورند.اما بطور قطع بسیاری از ممالک یارای آن ندارند تا در این زمینه راه درازی طی کنند و به پیشرفتهای واقعی نائل شوند ضمنا انواع صنایع سنگین نسبت به اصل حد اقل هزینه‏ حساسیت دارند و اگر بخواهیم این واحدها را چنان تأسیس کنیم که اقتصادی باشند ناگزیر به بازارهای وسیع احتیاج خواهیم داشت تحقق این هدف را میتوان از طریق توسعه تقاضای‏ داخلی و یا از راه دسترسی ببازارهای بین المللی امکان‏پذیر ساخت.معهذا در بسیاری از ممالک در حال توسعه اتکاء به راه حل دوم یعنی توسعهء صادرات بعلت رقابت بین المللی شدیدی که‏ از طرف کشورهای توسعه یافته صورت میگیرد جز در مورد برخی از صنایعی که اساسا بر منابع‏ طبیعی تکیه دارند و جز تحت شرایطی که قبلا ذکر کردیم غیر ممکن است.

صنایع سنگین در عین حال به صرف سرمایه‏های فوق العاده هنگفتی احتیاج دارند و این مخصوصا برای ممالکی که پس‏انداز کمتری دارند و به منابع مالی بین المللی نیز دسترسی‏ کافی ندارند مسئله‏ای است که مشکلات ناشی از آن بهیچوجه قابل انکار نیست.

معهذا در مقابل این همه مسائل و مشکلاتی که در راه استقرار صنایع سنگین وجود دارد ایجاد این صنایع در صورتیکه بتوان شرائط لازم را فراهم کرد پاداش ارزنده‏ای هم‏ دارد که عبارتست از تسریع رشد اقتصادی و صنعتی.

صنایع اساسی به بالا رفتن سطح درآمد ملی کمک میکند صرفه‏جوئیهای عظیم ارزی‏ را امکان‏پذیر میسازد برای مردم ایجاد کار میکند سطح آگاهی فنی را بالا میبرد فعالیت‏های‏ اقتصادی را متنوع‏تر میسازد و موجد درجات معینی از کفایت و استغناء در برخی از حساس‏ترین‏ زمینه‏های فعالیت اقتصادی میشود به این ترتیب تأثیر نوسانات و احیانا نارسائیهائی را که در رشته کالاهای وارداتی و در قیمت محصولات اولیه صادراتی پیش میآید کاهش میدهد ضرورتی‏ ندارد که ایجاد صنایع اساسی صرفا متوجه این هدف باشد که کشوری را از وارد کردن اجناس‏ خارجی بی‏نیاز کند هدف یک صنعت اساسی ممکن است در بعضی موارد مانند صنعت پتروشیمی در ایران تنها متوجه صادرات باشد و به این ترتیب امکاناتی فراهم شود که استفاده از منابعی که‏ قبلا بهدر میرفت میسر گردد و بالمال عواید ارزی مملکت را افزایش بخشد.